

A Review on Implication of Intellectual Property Rights

Neda Garshasbi Nia

Training and Professional University, Central Branch, Tehran, Iran

Received: 22 September 2013, Accepted: 27 October 2013

Abstract

Currently, intellectual properties rights (IPR) have become one of the economically challenging debates worldwide. There are constant reports, news and documents on IPR which are issued by world researchers. Iran's research communities of all fields have been active in promoting IPR for many years. To give full recognition of the legal concepts underlying intellectual properties as intangible assets, are considered absolutely necessary for policy makers of all nations in seeing through their benefits and limitations. Although the role of IPR in enhancing creative works and motivating innovations is not clear, but for both developed and developing countries the key term "progress" does not just implies protection of IPR, it is rather to establish an effective innovation system and learning objectives. The present paper discusses the role of globalized IPR in highlighting four important issues on the nature of innovation and technological advancement.

Key Words

intellectual property rights,
innovation,
patent,
invention,
economy growth

(*) To whom correspondence should be addressed.
E-mail: nedagarshasbi@yahoo.com

بسیار ش

فصلنامه علمی- ترویجی

سال سوم، شماره ۳.

صفحه ۴۲-۳۵، ۱۳۹۲

ISSN: 2252-0449

مروری بر اهمیت پیاده‌سازی حقوق مالکیت فکری

ندا گرشاسبی نیا

تهران، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، سازمان مرکزی

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۳۱، پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۵

امروزه یکی از گفت‌وگوهای مهم اقتصادی مباحث حقوق مالکیت فکری (IPRs) است که مطالعات بی‌شماری در این زمینه در حال انجام است. ایران نیز به سهم خود در این زمینه فعال بوده و مطالعات زیادی در زمینه سیاست‌گذاری و بررسی‌های مربوط به این حقوق در مراکز مختلف حقوقی، صنعتی و دانشگاهی انجام می‌پذیرد. شناخت دقیق این حقوق، مزایا و معایبی که برای کشورها به همراه دارد از ضروریات سیاست‌گذاری کشورهاست. نویسندگان بر این عقیده است که گاهی نقش حقوق مالکیت فکری در زمینه تولید و انتشار دانش و نوآوری، بدون توجه به ماهیت فعالیت‌های پژوهشی و توانمندی‌های کشورهای متبوع در جذب فناوری بیش از واقع کارا و مثبت ارزیابی شده است. در واقع موضوع کلیدی توسعه، حفظ حقوق مالکیت فکری دانش موجود نیست، بلکه ایجاد یک سامانه نوآوری فعال و پیاده‌سازی سیاست‌های یادگیری است، هرچند در بسیاری از موارد، این حقوق می‌تواند ابزار خوبی برای نیل به این هدف باشد. در این مقاله به بررسی نقش جهانی‌سازی این حقوق و چهار نکته مهم در ارتباط با ماهیت نوآوری و نیازمندی‌های کسب و گسترش فناوری پرداخته می‌شود.

چکیده



ندا گرشاسبی نیا

واژگان کلیدی

حقوق مالکیت فکری،
نوآوری،
پتنت،
اختراع،
رشد اقتصادی

مقدمه

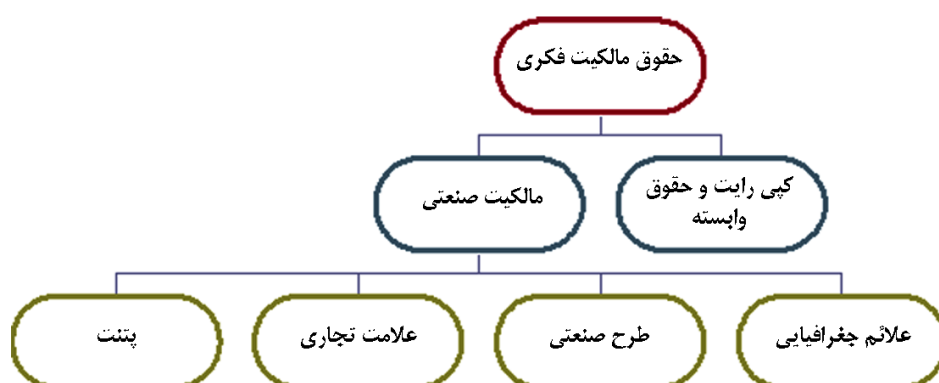
در سال ۱۹۹۴ موافقت‌نامه تریپس، جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، در سازمان تجارت جهانی منعقد شد. تریپس فعالیت خود را بر هماهنگ کردن حفاظت‌ها و اجرای مالکیت فکری در سرتاسر جهان، ایجاد استانداردهای بین‌المللی برای حفاظت از ثبت اختراع، کپی رایت، علائم تجاری و طرح صنعتی متمرکز کرده است. همچنین، چهارچوبی برای حل و فصل اختلافات اجرایی در سطح بین دولتی ایجاد کرده است. بدیهی است، تریپس با دانشمندان سیاسی [۳-۱] و اقتصادی [۵، ۴] در گستره وسیعی به مذاکره می‌پردازد. همچنین، تریپس با افراد غیردانشگاهی که گاهی دارای نظرهای مخالف هستند و به‌طور غیردولتی و به شکل یک گفت‌وگوی جهانی در این زمینه ابراز نظر می‌کنند، به تعامل می‌پردازد [۶].

فعالیت‌های مرتبط با وضع قوانین حفاظت از حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای توسعه یافته با ادعای این نکته که تقویت این حقوق باعث افزایش سود فعالیت‌های نوآورانه شده و در نتیجه موجب گسترش تحقیق و توسعه در این کشورها و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود، آغاز شد. بسیاری از صاحب‌نظران با این نظریه موافق‌اند. بسیاری از پژوهشگران نیز به آن اعتقاد نداشته و حتی بعضی از آنها اصرار دارند که این فعالیت‌ها در تضاد با منافع کشورهای در حال توسعه انجام می‌گیرد. آنچه باعث می‌شود تا این مباحثات به نتیجه رضایت‌بخش نرسد، کمبود شواهد تجربی برای انجام پژوهش و مطالعه منافع و آسیب‌های احتمالی اجتماعی-اقتصادی حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه است.

هم‌اکنون، پژوهش‌هایی از دو دید نظری و تجربی برای بررسی آثار اجتماعی-اقتصادی تقویت حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه در شرف تکوین است. مهم‌ترین این پژوهش‌ها

شامل مطالعه اثر تقویت حقوق مالکیت بر متغیرهای اقتصادی، مانند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و نوآوری، همین‌طور زمینه‌های کلیدی مانند سلامت عمومی و دانش سنتی در این کشورهاست. شکل ۱ نمایی از تقسیمات حقوق مالکیت فکری را نشان می‌دهد. در این مقاله روی پتنت به عنوان حقوق مالکیت فکری بیشتر تمرکز و کمتر به کپی رایت و موارد دیگر این حقوق توجه شده است. در سال ۱۴۷۴ برای اولین بار، جمهوری ونیز سامانه جدید ثبت اختراع مبتنی بر ارزیابی موضوعی اختراعات را معرفی کرد [۷]. دو نیازمندی اصلی مفید و نو بودن مطرح شده توسط آنان، هنوز در بسیاری از کشورها مورد پذیرش است. به عبارتی، ثبت اختراع داد و ستد بین مخترع و دولت به عنوان حافظ حقوق جامعه است. مخترع متعهد می‌شود که همه اطلاعات اختراع خود را افشا کند و در اختیار مردم قرار دهد تا بدین ترتیب دانش جامعه گسترش یابد. در قبال آن دولت حقوق بهره‌برداری انحصاری اختراع را برای مدت محدودی به مخترع واگذار می‌کند.

حقوق مالکیت فکری در طول زمان تکامل یافت، ولی فلسفه داد و ستد موجود در حفاظت از حقوق اختراع بدون تغییر باقی ماند. در واقع، دولت حقوق مخترع را برای منع استفاده بدون مجوز دیگران از فعالیت خلاقانه وی به رسمیت شناخته و حمایت قانونی از آن را تضمین می‌کند. بنابراین، دولت انحصار قانونی برای بهره‌برداری از اختراع و کسب منافع اقتصادی را برای یک دوره محدود در اختیار مخترع قرار می‌دهد. قوانین مزبور برای دارایی‌های فکری مختلف دارای شکل یکسانی نیستند. به‌طور مثال، دوره حفاظت برای حقوق کپی‌رایت از زمان چاپ کتاب یا فیلم آغاز می‌شود، ولی پیش از کسب این حقوق لازم است تا اختراع امتحان پذیرش را بگذرانند. متأسفانه در عمل این فرایند داد و ستد به طور کامل اجرا نمی‌شود. از طرفی، مخترع تلاش می‌کند تا راه‌هایی برای مخفی کردن اختراع خود



شکل ۱- تقسیمات مالکیت فکری.

حقوق مالکیت فکری و نوآوری

پیدا کند و از طرف دیگر، افرادی این انحصار را نادیده می‌گیرند و به تصبیح حقوق اثر با اعمالی مانند کپی‌کاری می‌پردازند و در این حال دولت نیز دارای امکان پی‌گیری و ضمانت اجرای انحصار تفویضی خود را ندارد.

دولت‌ها همواره سعی می‌کنند تا با وضع قوانین مناسب شرایط افشای اطلاعات دانش تولید شده فراهم شده و در این رهگذر افراد را برای انجام فعالیت‌های خلاقانه تشویق کنند. فعالیت‌های خلاقانه معمولاً زمان‌گیر و گران هستند، در حالی که معلوم نیست آیا این فعالیت‌ها منجر به بازگشت اقتصادی می‌شوند یا خیر. وقتی مخترعی وسیله‌ای را می‌سازد یا یک موسیقی‌دان، موسیقی جدیدی را ایجاد می‌کند، دیگران به راحتی می‌توانند با هزینه بسیار کم از آن بهره‌برداری کنند. بدون حفاظت قانونی، مخترعان و نویسندگان در موقعیت بهره‌برداری از کار خود قرار نمی‌گیرند. در نتیجه در شرایط عدم وجود قوانین عمومی مناسب و کارا سرمایه‌گذاری برای انجام فعالیت‌های خلاقانه بسیار کمتر از نیاز جامعه خواهد بود.

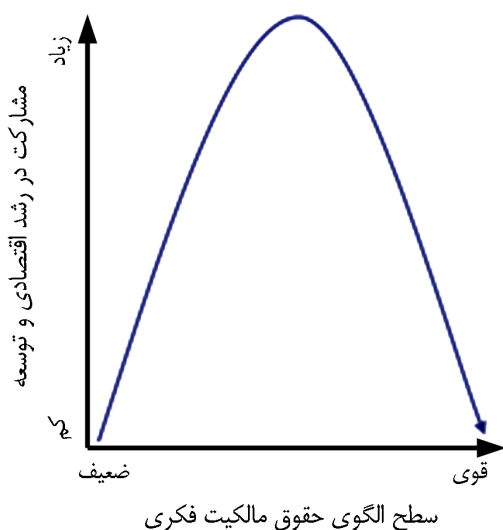
سامانه حقوق مالکیت فکری را مجموعه‌ای از قوانین مرسوم و نوشتاری در یک مجموعه سیاسی خاص می‌توان تعریف کرد. در بعضی از کشورها دولت برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری قوانین و مقررات سختگیرانه‌ای را وضع و اعمال می‌کند. بدین ترتیب صاحبان این حقوق اطمینان می‌یابند که هر تخلفی توسط قانون پیگیری و زیان آنان جبران می‌شود. این سامانه‌ها، سامانه قوی حقوق مالکیت فکری نامیده می‌شود. در قبال این کشورها سامانه‌های حقوق مالکیت فکری ضعیف وجود دارد. در این کشورها علاقه عمومی کمی چه از طرف دولت و چه از طرف مردم برای اجرای این حقوق وجود دارد. نقض عملی حقوق مزبور راحت‌تر، روند رسیدگی در دادگاه‌ها کند بوده و تخلفات مجاز قلمداد می‌شوند.

در این مقاله، به رابطه بین سطح حقوق مالکیت فکری و میزان نوآوری در کشورهای در حال توسعه با توجه به چهار نکته مهم در فرایند برپایی این حقوق در کشورها پرداخته می‌شود.

خلق فناوری (نوآوری ملی) در کشورها توسعه پیدا می‌کند. مطالعات تجربی در زمینه اثر حقوق مالکیت فکری بر روند گسترش فناوری نیز متناسب با این دو مسیر انجام گرفته است. در اقتصادهای کمتر توسعه یافته، افزون بر خلق فناوری، جذب آن نیز می‌تواند باعث رشد اقتصادی شود. با نزدیک شدن سطح فناوری این کشورها به فناوری‌های نوین اهمیت خلق فناوری، به‌طور فزاینده‌ای افزایش می‌یابد.

شواهد تجربی نشان می‌دهد، وجود حقوق مالکیت فکری قوی در کشورهای در حال توسعه که دارای ظرفیت جذب فنی زیادی هستند، مشوق انتقال فناوری بین‌المللی، به‌ویژه لیسانس از راه بازار است. شرکت‌های صاحب فناوری، کمتر علاقه‌ای به صادرات محصول یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این نوع از کشورها دارند. اما، در کشورهای در حال توسعه که دارای حقوق مالکیت فکری ضعیفی هستند، این شرکت‌ها برای کنترل فناوری خود ترجیح می‌دهند تا آن را از راه نمایندگی‌های محلی در این کشورها یا سرمایه‌گذاری خارجی در اختیار قرار دهند. با این حال، شواهد تاریخی نشان می‌دهد، بیشتر کشورهای در حال توسعه در راه پیشرفت از انتقال فناوری بین‌المللی، مهندسی معکوس و کپی‌کاری از مسیر غیربازار سود برده‌اند. این روش انتقال مالکیت فکری در رژیم مالکیت فکری ضعیف امکان‌پذیر است.

در واقع مطالعات تجربی، نمایانگر وجود رابطه‌ای غیرخطی (U شکل) بین حقوق مالکیت فکری و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. در ابتدا با افزایش سطح الگوی حقوق مالکیت فکری رشد اقتصادی افزایش و این روند تا سطح خاصی از توسعه



شکل ۲- رابطه غیرخطی بین سطح الگوی مالکیت فکری و رشد اقتصادی.

سیاست‌گذاران توجه خاص و روزافزونی به کنترل فرایند فناوری، به عنوان عامل مهم فراهم کردن زمینه لازم برای افزایش رشد اقتصادی و پیشرفت سطح استاندارد زندگی دارند. در یک سامانه اقتصاد باز، فرایند فناوری می‌تواند با خلق فناوری یا انتشار آن به‌وجود آید. فناوری از دو مسیر جذب فناوری (انتقال فناوری بین‌المللی) و

نیستند. بنابراین، موضوع از آنچه که در نظر اول دیده می‌شود، بسیار پیچیده‌تر است.

از سویی تولیدکننده دانش، امکانات کسب سود را در محدوده وسیعی از فروش بخش‌های مستند شده به‌وسیله حقوق مالکیت فکری تا انتقال آن از راه ارتباط مستقیم، مانند برنامه‌های آموزشی و همکاری‌های فنی دارد. از سوی دیگر، افراد علاقه‌مند به استفاده از این دانش باید افزون بر سرمایه‌گذاری، برای خرید حقوق مالکیت فکری در تهیه زیرساخت‌ها و کسب مهارت‌های لازم در این کار هزینه پردازند تا به سطح توان لازم برای بهره‌برداری اقتصادی از این دانش دست یابند.

نکته دوم

به‌جرات می‌توان گفت، بدون عبور از دوران فرایند کپی‌کاری یادگیری و نوآوری غیرممکن است. توسعه اقتصادهای نوپا اغلب همراه با کپی‌کاری خلاقیانه و کسب فناوری است. نوآوری در فضای خالی و بدون وجود فعالیت‌های فناورانه اتفاق نمی‌افتد، بلکه در فضایی مملو از کپی‌های خلاقیانه حادث می‌شود. در قرن نوزدهم انگلستان و آمریکا از دانشی که در آلمان تولید شده‌بود استفاده کردند. در نیمه دوم قرن بیستم، تمام کشورهایی که توانستند رشد کنند از جمله ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان فناوری‌هایی را جذب و کپی کردند که در جای دیگری متولد شده بودند. امروزه چین، هند و برزیل به دانشی که در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) ایجاد شده‌است، دسترسی دارند. هر اقتصاد نوپا در بخشی از تاریخ خود به کسب فناوری‌های خارجی وابسته بوده است. انتقال فناوری پدیده‌ای چندوجهی است و اثربخشی آن به ویژگی‌های کشور دریافت‌کننده از جمله سطح توسعه یافتگی، پایه‌های اقتصادی و صنعتی، ویژگی‌های نهادها و در نهایت رژیم حقوق مالکیت فکری بستگی دارد.

کسب و انتقال موفقیت‌آمیز فناوری و دانش تنها از یک مسیر واحد میسر نمی‌شود، بلکه راه‌های متنوعی برای گسترش هر دانش متناسب با نوع و شرایط آن وجود دارد. مهم‌ترین این مسیرها عبارتند از:

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شعبه‌های شرکت‌های چندملیتی در کشورهای میزبان معمولاً مسیرهای مستقیمی را برای جذب روش‌های تولید سایر کشورها فراهم می‌کنند.

- سرمایه‌گذاری مشترک و اتحاد راهبردی که شرایط ترکیب مهارت‌ها، منابع و تجربیات شرکت‌هایی از کشورهای مختلف را فراهم می‌کند.

- لیسانس فناوری که تنها شامل دریافت حقوق مالکیت فکری

یافتگی ادامه می‌یابد. پس از آن با افزایش این حقوق رشد اقتصادی کاهش می‌یابد [۸].

در این بخش، چهار نکته حاصل از این مطالعات ارائه می‌شود که مربوط به ارزیابی بحث حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه است. این نکات مطالب مهمی را برای پاسخ‌گویی به سؤالات زیر نشان می‌دهند. ماهیت دانش چگونه است؟ فرایند نوآوری در کشورها از چه مراحل عبور می‌کند؟ برای جذب فناوری چه شرایطی باید فراهم باشد؟ آیا تنها راه کسب منفعت از نوآوری حفاظت از حقوق مالکیت فکری است؟

نکته اول

باید توجه داشت، دانش با اطلاعات تفاوت بسیار دارد. انتقال دانش موفق، تنها یک انتقال ساده اطلاعات نیست، بلکه نیازمند یادگیری از راه کسب مجموعه‌ای وسیع از توانمندی‌ها، مهارت‌ها و دانش ضمنی است.

اطلاعات، محصولی است که تولید آن بسیار پر هزینه است. ولی طی زمان عمومی و متناسب با فهم مردم شده و با قیمت بسیار کم قابل انتقال می‌شود. از آنجاکه همه هزینه‌ها به عهده تولیدکننده اطلاعات است و استفاده‌کننده هزینه‌ای در این فرایند بر عهده ندارد، بنابر این عدم وجود حمایت نهادی باعث کاهش سرمایه‌گذاری در این نوع فعالیت‌ها می‌شود [۹]. اما نکته اینجاست، آیا خروجی فعالیت‌های خلاقیانه و نوآوری که منجر به دریافت حقوق مالکیت فکری می‌شود اطلاعات یا دانش به‌شمار می‌رود؟ نظریه اسکومپترین بیان می‌کند، خلاقییت و نوآوری محصول دانش بشر هستند و تنها به استفاده‌کنندگان دارای پتانسیل مناسب قابل انتقال است تا زمان و تلاش کافی برای کسب این دانش صرف کنند. بنابراین، برای کسب مزایای اقتصادی از دانش لازم است تا تلاش زیادی برای یادگیری انجام شود و فرایندهای تطابق خلاقیانه نیز انجام پذیرد [۱۰، ۱۱].

اما این تمام داستان نیست. مطلب مهم دیگری وجود دارد که انتقال دانش را دشوار می‌کند: همه دانش‌ها قابل تدوین نیستند. بخش مهمی از دانش، ضمنی است [۱۲] و حتی به‌وجود آورندگان آن قادر به بیان دانش در دفترچه‌های راهنما، طرح‌ها، متن پتنت یا روش‌های دیگر مستندسازی نیستند. وقتی ما بیش از آنچه می‌توانیم بیان کنیم، بدانیم با دانش ضمنی سروکار داریم [۱۲]. برای انتقال یک دانش ضمنی به دیگران لازم است تا مستندات انتقال تجربه و آموزش تکمیل شوند. از مشخصات مهم حقوق مالکیت فکری همین است. آنها می‌توانند دانش مدون را حمایت کنند، ولی قادر به حمایت از دانش ضمنی

نیست، بلکه شامل همکاری فنی و آموزش نیز هست.

- نمونه فناوری در واردات به‌ویژه در باره محصولات سرمایه‌ای و تجهیزات.

نکته سوم

کسب یک فناوری خارجی فعالیتی پرهزینه است که به تلاش زیادی نیاز دارد. دسترسی به دانستنی‌های علمی و فناوری از خارج از مرزها تنها بخشی از داستان است. اما این مسئله برای توسعه ناشی از تغییر فناوری کافی نیست. بخش دیگر کار مربوط به تلاش داخلی است که کشورهای دریافت‌کننده باید انجام دهند. به منظور دریافت و بهره‌برداری از دانش، توانمندی و فناوری از خارج کسب می‌شود. هر کشور باید ظرفیت جذب خود را یعنی ظرفیت داخلی برای یادگیری و بهره‌برداری اقتصادی از آنها را افزایش دهد [۱۳، ۱۴]. این مطلب گویای آن است که یادگیری فرایندی غیرفعال نیست. کشورها نیاز دارند تا پیشرفت‌های خارجی را پایش کرده و قابلیت داخلی لازم را برای کسب فناوری‌های خارجی ایجاد کنند. همچنین، آنها باید تلاش کنند تا این قابلیت‌ها در تمام ارکان اقتصاد رسوخ یابند.

خلق چنین فضایی نیازمند تلاشی همه‌جانبه در زمینه سیاست‌های عمومی، تحصیلات و منابع انسانی، سامانه و نهادهای قانون‌گذاری قابل اطمینان و سیاست‌های تجاری و تشویقی است که با نام دولت توسعه خوانده می‌شود. در نیمه دوم قرن بیستم، فناوری غربی به‌طور مساوی در اختیار کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای آسیای غربی بود. اما تنها کشورهای آسیای غربی بودند که از آن استفاده کرده و امروزه توانایی قرار گرفتن در موقعیت رقابت را دارند. دلیل اصلی آن به خاطر سیاست‌های یادگیری بود که این کشورها برقرار کردند [۱۵، ۱۶]. سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه ملی برای کسب فناوری خارجی در دوره ۱۹۴۶-۱۹۰۰ مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی آمریکا بود [۱۷].

این موضوع، محصول فعالیت مشترک بخش تجاری و عمومی بود. شرکت‌ها در کشورهای در حال پیشرفت باید در زمینه تحقیق و توسعه، محصولات سرمایه‌ای، تجهیزات و زیرساخت‌ها برای توسعه دانش مورد نیاز و ظرفیت‌های کسب دانش خارجی سرمایه‌گذاری کنند [۱۸]. دولت نیز به نوبه خود لازم است تا سیاست‌های ویژه برای پرورش تحقیق و توسعه عمومی و ارتقای تحصیلات و نیز حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی اجرا کند [۱۹]. کشورهایی که سیاست کسب فناوری خارجی را در برنامه‌های خود قرار داده‌اند، به‌طور مستمر در جهت افزایش توانمندی و مهارت داخلی تلاش می‌کنند.

نکته چهارم

روش‌های کسب منفعت از نوآوری نامحدود است. حقوق مالکیت فکری تنها یکی از این مسیرهاست و تنها در بعضی صنایع کارایی دارد. نوآوری از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی ناهمگن است. یک موتور جت، یک روش آماری، یک دارو یا یک وسیله ماشینی همگی می‌توانند دارای نوعی نوآوری باشند. این ماهیت ناهمگن روی منابع و روش‌هایی که برای بازگشت سرمایه فعالیت نوآورانه به‌کار می‌روند، اثرگذار است. روش‌های تضمین بازگشت سرمایه از نوآوری در صنایع مختلف متفاوت است. مؤثرترین راه برای بازگشت مناسب از نوآوری ترکیب راهبردهای مختلف است [۲۰].

روش‌هایی که شرکت‌ها برای بازگشت از نوآوری به کار می‌برند، به دو دسته مهم تقسیم می‌شوند. اولین دسته از روش‌های قانونی شامل حقوق مالکیت فکری تشکیل شده است. دومین دسته از راه روش‌های اقتصادی شامل رازداری صنعتی، زمان انتظار، افتراق و توزیع بازار است. اهمیت این دو دسته متناسب با فناوری‌ها و صنایع متفاوت است. اما، یک مطالعه تجربی قوی نشان داده است که حقوق مالکیت فکری به‌تنهایی قابلیت تضمین بهره‌برداری کامل از نوآوری را ندارد.

براساس یک مطالعه آماری در سطح شرکت آشکار شده است که پتنت به عنوان مهم‌ترین بخش حقوق مالکیت فکری تنها در صنایع دارویی دارای اهمیت زیادی است و البته نقش کمتری هم در صنایع شیمیایی دارد. اما پتنت کلید رقابت در صنایع پیشرفته دیگر مانند الکترونیک، ارتباطات، وسایل نقلیه موتوری و ماشین محسوب نمی‌شود. در بعضی از صنایع پیشرفته مانند هوافضا و انرژی هسته‌ای ثبت اختراع به دلیل محرمانه بودن صنایع کاملاً بی‌اهمیت است. شرکت‌هایی که به دنبال منافع هستند، راهبردهای دیگری را برای استفاده از نوآوری برقرار می‌کنند. این راهبردها شامل زمان انتظار، حرکت نزولی منحنی یادگیری، فعالیت‌های فروش و خدمات و رازداری هستند. در صنایع کامپیوتر شرکت‌ها بیشتر به دنبال استفاده از شکل‌های جدید حقوق مالکیت فکری مانند GNU، لیسانس عام کلی GPU برای توسعه نرم‌افزارهای باز هستند. این قوانین GPU برعکس قوانین قدیمی حقوق مالکیت فکری به همه افراد اجازه می‌دهد تا نرم‌افزار را تغییر دهند. در نتیجه، در دهه گذشته شاهد ظهور مدل‌های جدید تجارت در این صنعت هستیم که به شرکت‌ها امکان کسب منافع از نوآوری را متکی بر ترکیبی از قوانین قدیمی و جدید مالکیت فکری می‌دهد [۲۱].

این نکات بدین معنا نیست که شرکت‌ها پتنت را بی‌فایده می‌دانند، زیرا در این حالت پرداخت هزینه‌های هنگفت برای فایل و ثبت

طور خلاصه آمده‌اند:

- نکته اول: در مباحث حقوق مالکیت فکری معمولاً به اشتباه دانش مساوی با اطلاعات قلمداد شده و منجر به تحلیل‌ها و اتخاذ سیاست‌های اشتباه می‌شود. کسب و مالکیت دانش به صرف وقت، منابع و تلاش تعلیم دهنده و تعلیم گیرنده نیاز دارد. این موضوع باعث می‌شود تا انتقال دانش بسیار پیچیده‌تر از انتقال اطلاعات شود. - نکته دوم: هر فرایند نوآورانه مبتنی بر کپی‌کاری و تقلید است. هیچ کشوری وجود ندارد که فرایند پیشرفت را بدون دانش کشورهای پیشرفته‌تر طی کرده باشد. بنابراین، طرح اختلاف مفهومی بین نوآور و کپی‌کار صحیح نیست. زیرا، نوآوران کار خود را بر مبنای دانش موجود بنا می‌گذارند و یک نوآور در گام‌های اولیه نیاز دارد تا نوآوری دیگران را کپی کرده و اخذ کند.

- نکته سوم: برای استفاده از مزایای فناوری‌های خارجی، کشورهای در حال توسعه باید سیاست‌های واضحی را برای افزایش ظرفیت کسب فناوری از راه ارتقای رقابت داخلی، مهارت‌ها، زیرساخت‌ها و نهادها به اجرا درآورند.

- نکته چهارم: حقوق مالکیت فکری تنها یکی از مسیرهایی است که شرکت‌ها برای بازگشت سرمایه نوآوری استفاده می‌کنند. حقوق مالکیت فکری دارای اثربخشی متفاوتی در صنایع مختلف است، صنایع دارویی به شدت به پتنت وابسته‌اند، صنایع ساخت کارتون به کپی‌رایت وابسته است، ولی اهمیت آن در بسیاری از صنایع محدود است. تأثیر حقوق مالکیت فکری در حالت هماهنگی با راهبردهای شرکت مانند آموزش پیوسته و نوآوری، بیشتر است.

لازم است سیاست‌گذار با توجه به این نکات، تعاریف حقوق مالکیت فکری و فرصت‌هایی که برای کشورهای در حال توسعه در وضع این قوانین در نظر گرفته شده است و نیز نقطه نظرات دانشمندی که مباحث موافق و مخالف جدی در این ارتباط دارند به تدوین استراتژی کشور در راستای چشم‌انداز ۲۰ ساله اقدام کند. در مقالات بعدی به بررسی نقطه نظرات مخالف و موافق حقوق مالکیت فکری پرداخته می‌شود.

مراجع

1. May C., *The Information Society: A Sceptical View*, Cambridge, 2002.
2. Ryan M.R., *Knowledge Diplomacy: Global Competition and the Politics of Intellectual Property*, Brookings Institution,

صدها هزار پتنت در هر سال توسط شرکت‌ها غیرقابل توجیه و تحلیل خواهد بود. اما بارها شکایات این شرکت‌ها از عدم امکان بهره‌برداری از پتنت‌های خود گزارش می‌شود. در واقع، زمانی شرکت‌ها قادر به استفاده اقتصادی از پتنت‌های خود هستند که حمایت قانونی از مالکیت فکری با ابزارهای اقتصادی شرکت و جامعه ترکیب شوند. صنایع کمی که بر اساس حمایت کپی‌رایت پایه‌گذاری شده‌اند، مانند صنایع انیمیشن یا از حمایت‌های طرح صنعتی برخوردارند، از مشکل عدم امکان بهره‌برداری بیشتر رنج می‌برند. زیرا این حمایت‌ها، تضمین کننده بازگشت سرمایه برای این گونه صنایع نیستند [۲۱]. به عنوان مثال، هرچند در یک الگوی سخت‌گیرانه حقوق مالکیت فکری، کپی‌کاری فعالیت گرانی است، ولی تا زمانی که امکان اختراع بسیار نزدیک با انجام تغییرات جزئی در اختراع به گونه‌ای که تخلف قانونی محسوب نشود، وجود دارد این کار غیرممکن نبوده و امکان بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری یک پتنت را برای صاحب آن کاهش می‌دهد. بدیهی است، در رژیم آسان‌گیرانه کپی‌کاری بسیار ارزان‌تر بوده و صاحب پتنت نصیب کمتری از آن خواهد برد.

نتیجه‌گیری

همان گونه که بیان شد، امروزه مباحثات زیادی پیرامون حقوق مالکیت فکری و نقش آن در توسعه اقتصادی کشورها در قالب گزارش‌ها، مقالات یا سمینارها انجام می‌گیرد. در یک جمع‌بندی می‌توان این مباحثات را به تأثیر حقوق مالکیت فکری بر چهار متغیر مهم اقتصادی تقسیم‌بندی کرد. این چهار متغیر عبارتند از: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و نوآوری و نیز زمینه‌های کلیدی مانند سلامت عمومی و دانش سنتی. در این مقاله، به بحث پیرامون رابطه این حقوق با نوآوری پرداخته شد. ضمن آن چهار نکته مهم در بررسی ضرورت و ملزومات اجرا و پیاده‌سازی سامانه مالکیت فکری در کشور به هنگام سیاست‌گذاری بیان شده است. این نکات در زیر به

Washington, DC, 1998.

3. Sell S.K., *Private Power, Public Law: The Globalization of Intellectual Property Rights*, Cambridge University, Cambridge, 2003.

4. Maskus K.E., *Intellectual Property Rights in the Global Economy*, Institute for International Economics, Washington, DC, 2000.
5. Maskus K.E. and Reichman J.H., *International Public Goods and Transfer of Technology*, Cambridge University, Cambridge, 2005.
6. Drahos P. and Mayne R., *Global Intellectual Property Rights: Knowledge, Access and Development*, Palgrave MacMillan, New York, 2002.
7. May C., The Venetian Moment: New Technologies, Legal Innovation and the Institutional Origins of Intellectual Property, *Prometheus*, **20**, 2, 159-179, 2002.
8. Hassan E., Yaqub O., and Diepeveen S., *Intellectual Property and Developing Countries A review of the literature*, Technical Report, RAND Corporation, 2010.
9. Arrow K., Economic Welfare and the Allocation of Resources for Invention, *The Rate and Direction of Inventive Activity: Economic and Social Factors*, Nelson R.R. (Ed.), UMI, NJ, 165-180, 1962.
10. Nelson R. and Winter S., *An Evolutionary Theory of Economic Change*, MA, Harvard University, Cambridge, 1982.
11. Pavitt K., The Objectives of Technology Policy, *Science and Public Policy*, **14**, 182-188, 1987.
12. Polanyi M., *The Tacit Dimension*, Doubleday, New York, 1967.
13. Cohen, W. M. and Levinthal, D. A., Innovation and Learning: The Two Faces of R & D, *Economic J.*, **99**, 569-596, 1989.
14. Cohen W.M. and Levinthal D.A., Absorptive Capacity: A New Perspective on Learning and Innovation, *Administrative Sci. Quarterly*, **35**, 128-152, 1990.
15. Wong J., The Adaptive Developmental State in East Asia, *J. East Asian Studies*, **4**, 345-362, 2004.
16. Woo-Cumings M., *The Developmental State*, Cornell University, New York, 1999.
17. Mowery D.C. and Rosenberg N., *Technology and the Pursuit of Economic Growth*, Cambridge University, Cambridge, 1989.
18. Mowery D. and Oxley J., Inward Technology Transfer and Competitiveness: The Role of National Innovation Systems, *Technology, Globalisation and Economic Performance*, Archibugi D. and Michie J. (Eds), Cambridge University, Cambridge, 138-171, 1997.
19. Bell M. and Pavitt K., *Technological Accumulation and Industrial Growth: Contrasts between Developed and Developing Countries*, *Technology, Globalisation and Economic Performance*, Cambridge University, Cambridge, 83-137, 1997.
20. Teece D.J., Profiting from Technological Innovation: Implications for Integration, Collaboration, Licensing and Public Policy, *Res. Policy*, **15**, 6, 285-305, 1986.
21. Tapscott D. and Williams A., *Wikinomics: How Mass Collaboration Changes Everything*, Atlantic Books, London, 2006.
22. Filippetti A., Managing Design within the Innovative Processes of Firms: A Multiple Case Study Across the Italian Industries, SSRN Working Paper, 2009.